

فصلنامه ژئوپلیتیک - سال سوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۶

صص ۱۱۴-۱۴۵

## عوامل ژئوپولیتیکی مؤثر بر نقش و کارکرد مرزها

### با تأکید بر مرزهای ایران

دکتر سید هادی زرقانی\* - استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۷/۳/۵

تاریخ دریافت: ۱۳۸۶/۶/۵

#### چکیده

مرز به پدیده‌ای فضایی اطلاق می‌شود که منعکس‌کننده قلمرو حاکمیت سیاسی یک دولت بوده و مطابق قواعدی خاص در مقابل حرکت انسان، انتقال کالا، نشر افکار و... مانع ایجاد می‌کند. یکی از مباحث مهم در مورد مرزهای بین‌المللی، نقش و کارکردهای مختلف مرز و از آن مهمتر شناخت عوامل مختلف مؤثر بر آنها است. صاحب‌نظران و کارشناسان نقشها و کارکردهای متفاوتی را برای مرزها بر شمرده‌اند که از جمله می‌توان به مواردی مانند جداکنندگی، یکپارچه‌سازی، کشمکش و ارتباط، تحدید حدود منطقه اعمال حاکمیت و قدرت حکومت، شکل‌دهی به مناسبات اقتصادی و سیاسی بین حکومتها، مانع دفاعی و اقتصادی و... اشاره کرد. به نظر می‌رسد بر اساس یک رویکرد نوین و یک نگرش کلی می‌توان مهمترین کارکردهای مرز را به دو دسته کارکردهای دفاعی - امنیتی و کارکرد ارتباطی - تجاری تقسیم کرد.

از سوی دیگر، عوامل ژئوپولیتیکی مختلفی بر نقش و کارکرد مرزها مؤثر است که از جمله می‌توان به مواردی مانند: نظامهای سیاسی کشورهای همسایه در دو سوی مرز، ویژگیهای اقتصادی و اجتماعی مرزنشینان، موقعیت نسبی کشور و نوع فضای استراتژیک مسلط بر منطقه، نوع نگرش و رفتار حکومتها نسبت به مرز، ذخایر و منابع طبیعی موجود در منطقه مرزی، پیمانهای سیاسی - نظامی کشورهای هم‌مرز با قدرتهای فرامنطقه‌ای و... اشاره کرد. در این مقاله تلاش شده است تا با مروری بر کارکرد و نقش مرزها، مهمترین عوامل ژئوپولیتیکی مؤثر بر کارکرد امنیتی و ارتباطی مرزها، با تأکید بر مرزهای جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: مرزهای بین‌المللی، نقش و کارکرد مرز، عوامل ژئوپولیتیکی، جمهوری اسلامی ایران.

## مقدمه

مرز بین‌المللی، اساساً با هدف تعیین حد خارجی سرزمین یک دولت ایجاد شده و از این رو، مرزها مشخص‌کننده محدوده حاکمیت دولت بر مردم و منابع تحت نفوذ آن هستند و قلمروی را که دولت می‌تواند قوانین آن را در آنجا به اجرا گذارد، تعیین می‌کنند. یکی از موضوعات مهم در مورد مرزهای بین‌المللی نقش و کارکردهای مختلف مرز و عوامل مؤثر بر آنها است. صاحب‌نظران و کارشناسان نقشها و کارکردهای متفاوتی را مانند تحدید حدود منطقه اعمال قدرت حکومت (پرسکات، ۱۳۵۹: ۶۱) ایجاد و تقویت وحدت سیاسی، شکل‌دهی به مناسبات سیاسی و اقتصادی میان دولتها (میرحیدر، ۱۳۷۹: ۱۶۶ و ۱۶۱)، اثبات حقوقی یا فیزیکی یک دولت بر یک قلمرو خاص (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۲۱)، مانع دفاعی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی (1990:141, Dwivedi). ایجاد حد نهایی کنترل و حاکمیت هر دولت بر قلمرو و مردم خود (رحمتی‌راد، ۱۳۷۴: ۸) و سرانجام کارکردهای پنجگانه جداکنندگی، یکپارچه‌سازی، تفاوت‌سازی، کشمکش و ارتباط (حافظ‌نیا، ۱۳۷۹: ۱۹۱) را برای مرزهای بین‌المللی ذکر کرده‌اند.

با مروری بر مطالب فوق می‌توان گفت که به عقیده بسیاری از صاحب‌نظران و همچنان که پرسکات تصریح می‌کند مرزها دارای نقشها و کارکردهای گوناگون نظامی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و جغرافیایی هستند (پرسکات، ۱۳۵۹: ۶۱). البته مسلم است که نقش و کارکرد مرزها در همه مناطق جهان یکسان نیست و با توجه به شرایط و موقعیتهای مختلف سیاسی، اقتصادی، جغرافیایی و... نوع کارکرد مرزهای بین‌المللی نیز متغیر است. ضمن اینکه علاوه بر مسأله مکان موضوع زمان نیز در نوع کارکرد مرزها مهم است، به این معنی که اگرچه از نظر تاریخی، بهترین کارکرد مرز، جداکردن دو ناحیه سیاسی و دو گروه از مردم بوده و هست، اما با گذشت زمان و پیشرفتهای به وجود آمده در عرصه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، فناوری و ارتباطات، امروزه کارکردهای جدیدی برای مرزها تعریف شده است. چنان‌که گلاس‌نر از جغرافیدانان سیاسی معتقد است که نقش و عملکرد مرزها به مرور زمان تغییر می‌کند و به عنوان نمونه امروزه تکنولوژی پیشرفته ارزش عملکرد تدافعی مرزها را کم کرده است (Glassner, 2004: 80).

به طور قطع مهمترین نقش مرز مشخص کردن قلمرو کشور و محدوده حاکمیت حکومت است. اما اگر بر اساس یک نگرش کلی و برون سیستمی (در ارتباط با کشورهای همجوار) به مرزهای بین‌المللی نگاه شود، کارکرد مختلف مرزهای بین‌المللی را می‌توان در قالب دو گروه طبقه‌بندی کرد: ۱) کارکرد دفاعی - امنیتی، ۲) کارکرد ارتباطی - تجاری.

### ۱) کارکرد دفاعی - امنیتی مرز (مرز به عنوان یک مانع)

اگر به مرزها فقط به عنوان یک مانع نگاه شود، در این صورت مهمترین نقش آن ممانعت در مقابل نفوذ مردم و حکومت کشور همسایه و همچنین ایجاد محدودیت شدید و نامتعارف در مقابل ورود و خروج هر پدیده‌ای (مردم، کالا، موجودات زنده، کتب، مجلات و...) است که از منظر حکومت محل امنیتی آن محسوب می‌شود. در چنین حالتی کارکرد بازدارندگی مرز مورد توجه است و به عبارت دقیقتر نقش دفاعی - امنیتی مرز برجسته خواهد بود؛ به این معنی که مرزها مانند فیلتر و مانعی عمل می‌کنند که از ورود و خروج هر پدیده‌ای که در اعمال قدرت و حاکمیت آن کشور اختلال ایجاد کند ممانعت به عمل آورده یا محدودیت شدید ایجاد می‌کنند. برخی اندیشمندان نظیر دیویدی، طرفدار این دیدگاه بوده و از این رو مهمترین کارکرد مرز را نقش بازدارندگی آن دانسته و معتقدند که مرزها به عنوان یک مانع دفاعی، مانع اقتصادی، مانع سیاسی و مانع اجتماعی عمل می‌کنند (Dwivedi, 1990:141).

در کارکرد بازدارندگی مرز، نگرش امنیتی - سیاسی غالب است و از این رو مقاله حاضر به دنبال پاسخ این سؤال است که چگونه می‌شود با انجام اقدامات مختلفی از جمله ایجاد موانع فیزیکی مانند دیوار، فنس و...، نصب تجهیزات الکترونیکی، ایجاد مراکز متعدد نظامی، انتظامی و نظارتی و... مرز را هر چه بیشتر به صورت یک مانع غیرقابل نفوذ درآورد تا در نتیجه امنیت مرزی به وجود آید (تصویر ۱). امنیت مرزی به معنای جلوگیری از هرگونه اعمال خلاف قانون در طول مرزهای یک کشور و قانونی کردن تردد اشخاص و حمل و نقل کالا و حیوانات اهلی با رعایت ضوابط قانونی و از طریق دروازه‌های مجاز مرزی است. بدیهی است امنیت مرزها پشتوانه‌ای محکم برای امنیت با ابعاد متنوع آن در داخل کشور است و هرگونه ناامنی در مرز قادر است در سیستمهای اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و نظامی داخل کشور اختلال ایجاد کند و در مقابل امنیت مطلوب قادر است در حد خود در امنیت مرزی و

داخلی کشور سهم بسیار برجسته‌ای را به خود اختصاص دهد (خطابی، ۱۳۷۴: ۸۵).



تصویر شماره ۱: مرز مکزیک - آمریکا و مرز رژیم اشغالگر قدس در کرانه غربی رود اردن (نمونه کارکرد دفاعی مرز)

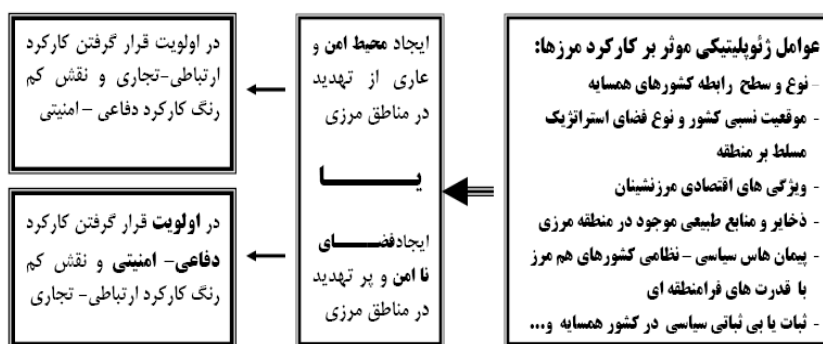
## ۲) کارکرد ارتباطی - تجاری (مرز به عنوان یک پل ارتباطی)

دومین کارکرد مرز که کاملاً در جهت مقابل کارکرد بازدارندگی قرار دارد، کارکرد ارتباطی مرز است؛ به این معنا که برخلاف کارکرد بازدارندگی - که به مرز به عنوان یک مانع نگریسته می‌شود - در کارکرد ارتباطی، مرز به عنوان یک پل ارتباطی عمل می‌کند که تسهیل‌کننده ارتباطات تجاری، فرهنگی، توریستی و... بین مردم دو کشور بویژه مرزنشینان می‌باشد. بر این اساس برخلاف کارکرد بازدارندگی مرز که به دنبال تقویت قدرت نفوذ ناپذیری مرز می‌باشد و نگاه غالب به آن نگاه امنیتی - سیاسی است، در کارکرد ارتباطی نگرش غالب نگاه اقتصادی - تجاری است و از این رو این مقاله به دنبال پاسخ به این سؤال است که چگونه می‌شود از مرز به عنوان یک عامل ارتباط بین دو کشور همسایه استفاده کرد و هدف آن است که با انجام اقداماتی نظیر ایجاد دروازه‌ها و گذرگاههای مرزی، تأسیس بازارچه‌های مرزی، تأسیس مناطق آزاد تجاری - صنعتی در مرزهای مشترک و... تا حد امکان در گسترش ارتباط بین مردم دو سوی مرز و افزایش مراودات تجاری، انسانی، فرهنگی، توریستی نقش ایفا کرد (زرقانی، ۱۳۸۶: ۱۸۶).



تصویر شماره ۲: بازار مرزی در مرز اتریش - مجارستان

همچنان که در مدل زیر نشان داده شده است، عوامل ژئوپلیتیکی مختلفی مانند نظامهای سیاسی کشورهای همسایه در دو سوی مرز، موقعیت نسبی کشور و نوع فضای استراتژیک مسلط بر منطقه، ویژگیهای اقتصادی مرز نشینان و... بر نقش و کارکرد مرزها تأثیر می گذارند، این عوامل دو فضای متفاوت (امن یا پرتهدید و ناامن) را بخصوص در مناطق مرزی دو کشور ایجاد خواهند کرد، در نتیجه مسئولان کشور به ناچار یکی از دو کارکرد مرز را در اولویت قرار داده و از این رو کارکرد دیگر در حاشیه قرار گرفته و کم اثر می شود.



نمودار شماره ۱: مدل تأثیر عوامل ژئوپلیتیک بر کارکرد مرزها (منبع: زرقانی، ۱۳۸۶: ۱۸۶)

## طرح مسأله

در این مقاله تلاش شده است تا مهمترین عوامل ژئوپولیتیکی مؤثر بر کارکرد مرزهای بین‌المللی مورد بررسی قرار گیرد. بر این اساس، تأثیر هر کدام از هشت عامل ژئوپولیتیکی مزبور بر کارکرد بازرندگی - امنیتی و کارکرد ارتباطی - اقتصادی مرزها با تأکید بر مرزهای جمهوری اسلامی ایران با همسایگان مورد بررسی قرار می‌گیرد. روش مطالعه این پژوهش با توجه به اهمیت موضوع آن، تحلیلی - توصیفی و مبتنی بر استدلال و تحلیل است. در جمع آوری داده‌ها و اطلاعات نیز از روشهای گوناگون استفاده شده و به طور کلی مبتنی بر روش کتابخانه‌ای است. در ادامه مطلب مهمترین عوامل ژئوپلیتیکی مؤثر بر کارکرد مرزها به تفکیک مورد بررسی قرار می‌گیرد:

### الف) نظامهای سیاسی کشورهای همسایه در دو سوی مرز و نوع نگرش کشورهای همسایه نسبت به یکدیگر (متحد، رقیب، دشمن)

یکی از مهمترین عوامل مؤثر بر کارکرد مرزها، نوع نظامهای سیاسی در دو کشور همسایه و به تبع آن، نگرش آنها نسبت به یکدیگر و نوع روابط آنها است. دولتها به عنوان نماینده ملت و کشور خود ناگزیر از رابطه با یکدیگرند. از دیرباز این رابطه براساس نیازهای متقابل بویژه در حوزه تجارت و اقتصاد وجود داشته و امروزه بالاترین حجم و تنوع ارتباطات بین دولتها نسبت به گذشته وجود دارد؛ به گونه‌ای که کشوری نمی‌تواند ادعا کند بدون رابطه با دیگران، بتواند به حیات خود ادامه دهد (حافظ‌نیا، ۱۳۷۹: ۵۵). نوع روابط بین دو کشور به عوامل متعددی بستگی دارد، اما به طور کلی کشورها تحت تأثیر انگیزه‌ها، نیروها، اهداف و منافع در یکی از سه حالت همکاری، رقابت و تعارض قرار می‌گیرند (قوام، ۱۳۸۳: ۲۴۵). هر کدام از حالات فوق نیز دارای درجات مختلفی است؛ به نحوی که به عنوان مثال در مدل همکاری، عالیترین نوع روابط، روابط استراتژیک بین دو کشور است که دو کشور متحد استراتژیک هم محسوب شده و در اکثر استراتژیهای با یکدیگر توافق دارند و یا در مدل تعارض، نوع روابط ممکن است از روابط سرد بین دو کشور تا روابط خصمانه و در نهایت جنگ بین دو کشور را شامل شود.

بنابراین نوع نگرش دو کشور همسایه نسبت به یکدیگر، تعیین کننده نوع روابط بین دو کشور است؛ به نحوی که در خوش بینانه ترین حالت، دو کشور همسایه متحد همدیگر محسوب می شوند و الگوی همکاری بر روابط بین دو کشور در تمامی ابعاد همکاریهای اقتصادی، سیاسی، نظامی - امنیتی حاکم است. در نتیجه چنین وضعیتی بر هر دو کارکرد مرز، یعنی کارکرد ارتباطی و امنیتی مرز تأثیر مثبت دارد؛ به نحوی که همکاریهای اقتصادی دو طرف موجب گسترش مبادلات مرزی و رونق ارتباطات مرزی می شود و همکاریهای نظامی - امنیتی دو کشور نیز باعث بهبود امنیت در مرزها می شود. در مقابل، در بدترین حالت دو کشور دشمن یکدیگر محسوب شده و تعارضات و تضادهای متعدد باعث ایجاد اختلافات و تنش های سیاسی عمیق بین دو کشور می شود که ممکن است در نهایت به جنگ منتهی شود. طبیعی است در چنین وضعیتی کارکرد ارتباطی مرز کاملاً خنثی شده و امنیت مرزی نیز وضع نامطلوبی خواهد داشت؛ به نحوی که به دلیل وجود اختلافات و تنش های سیاسی عمیق بین دو طرف، هر کدام از دولتهای همسایه سعی می کنند با تجهیز و حمایت نیروهای مخالف طرف مقابل به روشهای مختلف زمینه ناامنی داخلی و مرزی را در کشور مقابل فراهم آورند. سرانجام در بدترین وضعیت جنگ فیزیکی پیش می آید که دیگر امنیت مرزی مفهومی نداشته و کاملاً از بین می رود (خطابی، ۱۳۷۴: ۸۶).

جدول شماره ۱: الگوی نوع همکاری کشورها و تأثیر آن بر کارکرد مرزها

نوع رابطه	تأثیر بر کارکرد ارتباطی مرزها	تأثیر بر کارکرد دفاعی - امنیتی مرز
همکاری	مثبت (گسترش ارتباطات مرزی و توسعه مناطق مرزی)	مثبت (بهبود امنیت در مناطق مرزی در نتیجه گسترش همکاری های نظامی - امنیتی)
رقابت	تا حدی منفی (ارتباطات متوسط تا ضعیف مناطق مرزی و عدم توسعه مطلوب مناطق مرزی)	تا حدی منفی (وضعیت نامطلوب امنیت در مناطق مرزی)
تضاد	منفی (هیچ نوع ارتباطات مرزی وجود ندارد)	منفی (ناامنی وسیع در مناطق مرزی و از بین رفتن امنیت مرزی)

### ب) پیمانهای سیاسی - نظامی کشورهای هم‌مرز با قدرتهای فرامنطقه‌ای

یکی دیگر از عوامل مؤثر بر کارکرد مرزها، وجود پیمانهای سیاسی - نظامی است که کشورهای منطقه به دلیل ضعف قدرت ملی با قدرت های فرامنطقه‌ای منعقد می‌کنند و به این ترتیب زمینه را برای دخالت در کشور مزبور و حتی مناطق مرزی کشور مجاور فراهم می‌کنند. این مسأله وقتی حساستر می‌شود که منافع دو کشور همسایه در تقابل با یکدیگر قرار داشته باشد و از این رو سعی در ایجاد نامنی در کشور مقابل را داشته باشند.

ایران در منطقه‌ای قرار گرفته که از دیرباز منطقه حضور و رقابت قدرتهای فرامنطقه‌ای محسوب می‌شده است. نفت و گاز، ویژگیهای ژئواستراتژیک و برخی علایق مذهبی، زبانی و فرهنگی سه زمینه اصلی حضور قدرتهای فرامنطقه‌ای در خلیج فارس، قفقاز، آسیای مرکزی و حتی پاکستان، افغانستان و آناتولی بوده است. بر این اساس حداکثر تراکم حضور قدرتهای بزرگ در جهان را می‌توان در مناطق پیرامونی ایران جستجو کرد (کریمی‌پور، ۱۳۸۱: ۳۰).

از سوی دیگر، اکثر کشورهای پیرامونی ایران از نظر سیاسی نوپا محسوب می‌شوند؛ به طوری که به استثناء روسیه و ترکیه، عمر تأسیس هیچ یک از کشورهای هم‌جوار ایران به یک قرن نمی‌رسد. در واقع پادشاهی‌ها و امیرنشین‌های خلیج فارس به‌جز عربستان، از نیمه دوم قرن گذشته به استقلال دست یافتند و چهار کشور همسایه شمالی نیز تنها از سال ۱۹۹۱ میلادی بر نقشه جغرافیای سیاسی ظاهر شده‌اند (همان: ۲۶). نوپایی این کشورها، زمینه نداشتن بلوغ سیاسی و نوعی وابستگی به قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را برای آنها فراهم آورده است که منجر به انعقاد پیمان‌های سیاسی - نظامی بین این کشورها و قدرت‌های فرامنطقه‌ای شده و زمینه را برای دخالت این قدرتها در امور داخلی کشورها فراهم می‌کند.

حضور قدرتهای فرامنطقه‌ای بویژه ایالات متحده آمریکا و اسرائیل در کشورهای مجاور ایران با توجه به سابقه دشمنی و خصومت آنان با جمهوری اسلامی، بدون شک تأثیرات منفی زیادی بر امنیت ملی ایران به طور عام و امنیت مناطق مرزی به طور خاص خواهد داشت. ممکن است این حضور به واسطه وجود پیمانهای سیاسی - نظامی و امنیتی بین این کشورها و قدرتهای فرامنطقه‌ای باشد، همانند وضعیتی که در مورد جمهوری آذربایجان، جمهوری ترکمنستان، پاکستان، بحرین و قطر و... وجود دارد و یا ممکن است قدرتهای فرامنطقه‌ای



به دلیل بی‌ثباتی موجود در کشورها که خود در آن نقش مهمی داشته‌اند و به بهانه حفظ ثبات منطقه به اشغال کشورها پرداخته باشند، همانند وضعیتی که برای افغانستان و عراق وجود دارد. قدرتهای فرامنطقه‌ای بخصوص ایالات متحده آمریکا، انگلیس و رژیم اسرائیل با حضور مستقیم و غیرمستقیم در کشورهای همسایه به شیوه‌های مختلفی امنیت ملی و بویژه امنیت مناطق مرزی را مورد تهدید قرار می‌دهند. برخی از این روشها و اقدامات ضد امنیتی عبارتند از:

#### ۱- تأسیس ایستگاههای راداری مجهز به امکانات پیشرفته شنود و استراق سمع در مناطق مرزی

استفاده از فضای کشورها برای اقدامات جاسوسی و اطلاعاتی علیه کشور مجاور یکی از روشهای مرسوم اقدام علیه امنیت ملی کشورها به شمار می‌رود. در حال حاضر کشورهای همسایه ایران دارای چنین موقعیتی هستند و قدرتهای فرامنطقه‌ای مخالف نظام جمهوری اسلامی ایران سعی دارند تا با استفاده از فضای این کشورها به انجام اقدامات مخل امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، از جمله جاسوسی و فعالیتهای اطلاعاتی بپردازند. نصب دو ایستگاه سیار رادار پیشرفته از نوع «تی آر ام ال - ۳دی» با شعاع عمل ۲۰۰ - ۳۰۰ کیلومتر در اطراف مرزهای ایران در جمهوری آذربایجان توسط آمریکا (خبرگزاری ایرنا به نقل از روزنامه روسی «نزاویسیمایا گزتا»)، حضور مأموران و نظامیان اطلاعاتی آمریکا و اسرائیل در طول نوار مرزی شمال غرب ایران، در خاک عراق با دستگاههای شنود پیشرفته (خبرگزاری فارس: ۲۲ مرداد ۱۳۸۴)، نصب دکل‌های آنتن تلفن همراه مجهز به امکانات شنود پیشرفته برای جاسوسی علیه ایران در نزدیکی مرز شلمچه، اروندرود توسط انگلیسی‌ها، استقرار واحدهای شنود و هشدار صنایع نظامی اسرائیل (رافائل) در مناطق مرزی افغانستان با پاکستان و افغانستان با ایران (هفته‌نامه ساندی تلگراف، ۲۰۰۲/۲/۱۶) نمونه‌هایی از اینگونه اقدامات است. تحقیقات حاکی از آن است که اسرائیل و آمریکا از طریق ایجاد مراکز استراق سمع، جاسوسی الکترونیکی، نصب رادار و پایگاههای جمع‌آوری اطلاعات زمینی در مناطق نزدیک به شرق ایران در راستای تحقق اهداف استراتژیک خود که فشار امنیتی بر ایران است، گام بر می‌دارند (قویدل، ۱۳۸۳: ۲۶۷).

## ۲- تأسیس پایگاههای نظامی در مناطق مجاور مرزی

از زمان اشغال عراق و افغانستان توسط نظامیان آمریکایی و انگلیسی گزارشهای زیادی از این نوع فعالیتهای ضدامنیتی آنان در مناطق مرزی گزارش شده است: برنامه ریزی برای تأسیس پایگاههای جدید در شمال عراق به عنوان آلترناتیو پایگاه اینجرلیک توسط آمریکا در راستای استراتژی جهانی وزارت دفاع آمریکا، «تأسیس پایگاههای نظامی کوچک و حمایت از جزایر باثبات در مناطق مسأله دار» (خبرگزاری ایسنا، ۱۹ مهر ۱۳۸۴ به نقل از هفته نامه نیوزویک). ایجاد پایگاهها و فرودگاههای آمریکایی در مناطق مرزی پاکستان با ایران بخشی از این اقدامات است. دولت پاکستان علی رغم مخالفت دولت ایران، اخیراً فرودگاه شهر «نوکندی» را که در فاصله ۱۳۰ کیلومتری مرز شهرستان «میرجاوه» است، به آمریکایی ها واگذار کرده است. نیروی هوایی آمریکا با بهانه اشراف پروازی و هوایی خواستار واگذاری این فرودگاه شده بود. لازم به ذکر است پیش از این نیروی هوایی آمریکا با استقرار در فرودگاههای مرزی شمش، گوادر و پسنی توانسته است اشراف خود را بر مرز پاکستان با جمهوری اسلامی ایران کامل کند (روزنامه ایران، ۲۸ دی ۱۳۸۳).

## ۳- حمایتهای مادی، تسلیحاتی، اطلاعاتی و... از مخالفان جمهوری اسلامی مستقر در کشورهای همسایه

به عنوان نمونه می توان به حمایت اشغالگران آمریکایی از منافقان در عراق و دخالت انگلستان در قاجاق اسلحه به ایران و حمایت صریح آمریکا از گروهک تروریستی موسوم به جنرال الله در بلوچستان نام برد. به گفته فرمانده وقت نیروی انتظامی استان خوزستان اعتراف بازداشت شدگان باندهای قاجاق سلاح از عراق به ایران مؤید دخالت اشغالگران انگلیسی در حمایت از قاجاق سلاح به ایران از طریق استانهای مرزی می باشد (خبرگزاری فارس ۲۵ آبان ۱۳۸۴).

## ۴- جنگ روانی و تبلیغاتی در مناطق مرزی به منظور افزایش شکافهای قومی، مذهبی و سیاسی

اصولاً در کشورهایی که ملت ترکیبی بوده و از اقوام مختلف تشکیل شده است، زمینه های ایجاد بحرانهای امنیتی با منشأ قومی فراهمتر است، بویژه در شرایط جدید و بواسطه گسترش

تکنولوژیهای ارتباطی و اطلاعاتی، خودآگاهی قومی به میزان زیادی افزایش یافته است و نوعی همبستگی در ورای مرزهای ملی در حال شکل‌گیری است که این وضعیت بویژه هنگامی که از پشتیبانی و حمایت هدفمند کشورهای خارجی برخوردار باشد از حیث امنیتی می‌تواند برای کلیه حکومتها خطر ساز تلقی شود (افتخاری، ۱۳۷۸: ۳۶).

انجام اقدامات تبلیغی و جنگ روانی با هدف افزایش شکافهای قومی و مذهبی و ایجاد اختلاف و درگیری بین گروههای قومی و مذهبی با یکدیگر و با حکومت تحت استراتژی مشهور «اختلاف بینداز و حکومت کن» همواره یکی از سیاستهای امپریالیستی قدرتهای بزرگ بویژه انگلستان بوده است. این مسأله در مورد مناطق مرزی ایران با شدت و حدت بیشتری انجام می‌شود، چرا که ساختار قومی و مذهبی در مناطق مرزی به گونه‌ای است که اقلیتهای قومی و مذهبی عمدتاً در حاشیه مرز ایران پراکنده هستند و دنباله‌های قومی و مذهبی اقلیتها به صورت گروههای اکثریت در آن سوی مرز و در کشورهای همسایه پراکنده هستند. چنین شرایطی زمینه مناسبی را برای سوء استفاده دشمنان جمهوری اسلامی فراهم کرده است؛ به نحوی که یکی از راهبردهای اصلی قدرتهای فرامنطقه‌ای (نظیر آمریکا و انگلیس) و حتی رقبای منطقه‌ای ایران نظیر عربستان و پاکستان استفاده از پتانسیل‌های بحران زای قومی و مذهبی در مناطق مرزی است.

به گزارش روزنامه دولتی ایران ناآرامی و تحریک قومیتها با وعده فدرالیسم، راهبرد جدید آمریکا علیه ایران محسوب می‌شود و مؤسسه مطالعاتی و پژوهشی آمریکن اینترپرایز (که اتاق فکر نومحافظه‌کاران آمریکایی محسوب می‌شود) در این پروژه نقش اساسی را ایفا می‌کند. از جمله اقدامات این مؤسسه برگزاری همایشی تحت عنوان «ایران ناشناخته طرحی برای فدرالیسم» است که در آن به تحریک قومیتها با وعده فدرالیسم و دامن‌زدن به ناامنی در مناطق مرزی ایران توجه ویژه‌ای شده است. در بخشی از این طرح آمده است: راهبرد جدید مؤسسات استراتژیک آمریکایی برای پروسه براندازی جمهوری اسلامی در حالی صورت می‌گیرد که راهبرد قبلی آمریکا برای شبیه‌سازی فروپاشی اتحاد شوروی در ایران با شکست و ناکامی مواجه شده است (روزنامه ایران ۲۷ مهر ۱۳۸۴).

مواردی همچون القا و تشویق تفکر کردستان مستقل، حمایت از جنبش‌های به اصطلاح

مردمی مدعی حمایت از اقوام ایرانی همانند «جبهه دمکراتیک مردمی خلق عرب»، گروهک تجزیه‌طلب «الاحواز»، گروهک تروریستی جنرال‌الله و... توسط قدرتهای فرامنطقه‌ای باهدف تحریک قومیتها به انجام اقدامات تجزیه‌طلبانه و کسب خودمختاری و در نهایت تجزیه ایران، بخشی از این اقدامات است. اعترافات یکی از عوامل بمب‌گذار خوزستان در ماه رمضان سال ۱۳۸۴ مؤید دخالت این کشورها در تحریک قومیت‌ها می‌باشد. وی در مصاحبه تلویزیونی خود به صراحت اقرار می‌کند که: «از طریق سایت‌ها با گروه‌های تجزیه‌طلب و تروریست‌های خارج از کشور آشنا شدم و چون تفکر قومی داشتم با القائات آنها این تفکر به تفکر تجزیه‌طلبی منجر شد بعد از آن بود که با آنها ارتباط برقرار کردم. از جمله این افراد رئیس جبهه دمکراتیک مردمی خلق عرب اهواز در کشور انگلیس مرتبط شدم و آنان احساسات قومی من را تحریک کردند و روی من اثر گذاشتند و گفتند باید با ایجاد ناامنی هر طور که می‌توانیم به جمهوری اسلامی ایران ضربه بزنیم»<sup>\*</sup>.

#### ۵- تجهیز و اعزام تیمهای عملیاتی مخالفان جمهوری اسلامی با هدف ایجاد اغتشاش و ناامنی بویژه در مناطق مرزی

گزارشات متعددی در رابطه با تجهیز و اعزام تیمهای خرابکاری از سوی کشورهای اشغالگر عراق با هدف ایجاد اغتشاش و ناامنی در مناطق و استانهای مرزی وجود دارد. یکی از این موارد بمب‌گذاری مهر ماه ۱۳۸۴ در شهر اهواز بود که به شهید و مجروح شدن چند تن از ساکنان این شهر منجر شد و انگلیس به‌طور رسمی از سوی رئیس جمهوری ایران و وزیر اطلاعات متهم به دخالت و پشتیبانی از این اقدام تروریستی شد (روزنامه ایران، ۲۱ آبان ۱۳۸۴). دو تن از دستگیرشدگان پرونده انفجارهای اهواز به‌طور صریح اعتراف کردند که تمرینات و آموزشهای خود را تحت نظارت کامل ارتش انگلیس در استان بصره عراق گذرانده‌اند. همچنین تحقیقات نشان می‌دهد که مواد منفجره مورد استفاده در انفجارهای استان خوزستان در سال ۱۳۸۴ توسط نیروهای انگلیسی وارد ایران شده بوده است (سیری در اخبار و تحلیلها، ۱۳۸۴: ۵۴).

۱. مصاحبه تلویزیونی عوامل بمب‌گذار در اهواز به نقل از سایت خبری ایسنا

### ج) نوع نگرش و رفتار حکومتها نسبت به مرز

منظور از نوع نگرش حکومتها نسبت به مرز، پاسخ به این سؤال از سوی مقامات حکومتی و مسئولان کشور است که مرزها در نظر مقامات حکومتی و سیاستمداران یک کشور چه جایگاه و نقشی دارند؟ و به عبارت دیگر، کدام یک از دو کارکرد عمده مرز (دفاعی - امنیتی یا ارتباطی - تجاری) از اهمیت و اولویت بیشتری برخوردار است؟

عوامل متعددی بر نگرش و رفتار حکومتها نسبت به مرز تأثیر دارند که به برخی از آنها در مباحث قبلی اشاره شد، از جمله وضعیت روابط سیاسی دو کشور. اما به نظر می‌رسد موقعیت نسبی کشور و نوع فضای استراتژیک مسلط بر منطقه تأثیر مهمی بر نوع نگرش و رفتار حکومتها نسبت به مرز دارد که به طور مختصر به آن اشاره‌ای می‌شود.

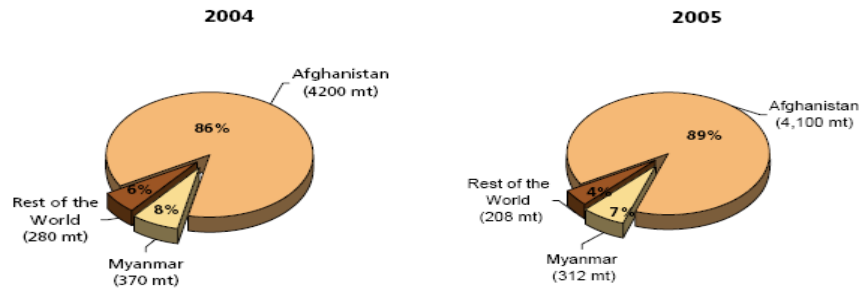
قرار گرفتن یک کشور در یک منطقه آرام و بی‌تنش و مجاورت با کشورهایی که از ثبات نسبی برخوردار بوده و دارای سطح قابل قبول رفاه اقتصادی هستند یا قرار گرفتن در یک منطقه پرتنش و مجاورت با کشورهای بی‌ثبات، وابسته، ضعیف و فقیر، هر یک تأثیر مهمی بر سیاستها، طرحها و نگرشهای یک کشور در همه زمینه‌ها و از جمله در مسائل مرزی خواهد داشت. به عبارت دقیقتر امنیت ملی دولت - ملتها و به تبع آن سیاستها و برنامه‌های کشورها تحت تأثیر نوع فضای استراتژیک مسلط بر امنیت منطقه‌ای است؛ هم‌چنان‌که تشکیل جزیره ثبات در دریاهای ناامن منطقه‌ای ممکن نیست و یا ناپایدار خواهد بود. بر عکس ناآرامی و بحرانهای طولانی مدت در مناطق با ثبات دوام چندانی ندارد و با واکنش فوری و دسته‌جمعی بازیگران یکدست و متفق منطقه‌ای، تحت کنترل قرار خواهد گرفت (کریمی پور، ۱۳۸۱: ۱۲).

به این ترتیب، نوع فضای استراتژیک مسلط بر منطقه و وضعیت اقتصادی، سیاسی، نظامی و امنیتی کشورهای مجاور در ترسیم سیاستهای مرزی و نوع اولویت کارکردهای مرز (دفاعی یا ارتباطی) تأثیر خواهد داشت. از این رو، اگر کشوری در یک منطقه باثبات و در مجاورت کشورهای مقتدر، مستقل و غنی از حیث اقتصادی قرار گیرد، بی‌شک همکاری کشورها با یکدیگر از یکسو و شرایط مناسب داخل کشورها از حیث اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی از سوی دیگر بر کارکردهای امنیتی و ارتباطی مرز تأثیر مثبت خواهد داشت. به عنوان مثال می‌توان از کشورهای عضو اتحادیه اروپا نام برد. در این منطقه سطح بالای همکاری و همگرایی

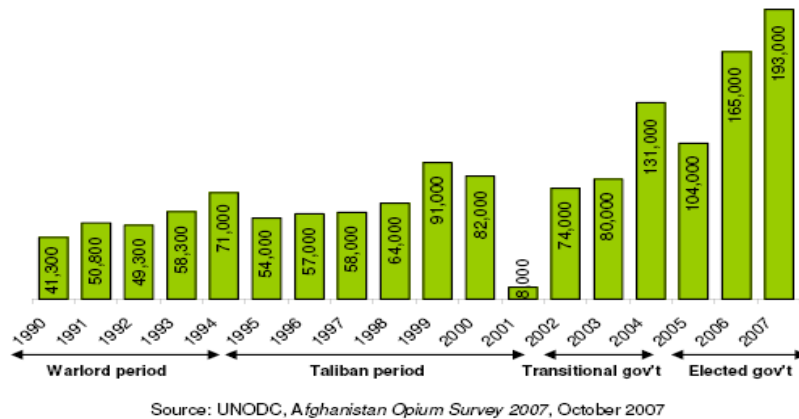
کشورها در قالب ظهور اتحادیه قدرتمند اروپایی متجلی شده است؛ به نحوی که امنیت و منافع یک عضو مترادف با امنیت و منافع تمامی اعضا است. طبیعی است در چنین شرایطی به مرز به عنوان یک مانع و عامل بازدارنده نگاه نمی‌شود بلکه مرزها پل ارتباطی محسوب می‌شوند و کشورها سعی می‌کنند تا حداکثر ممکن موانع معمول در مرزها را حذف کنند؛ چنان‌که حذف روادید گمرکی، ایجاد یک ویزای واحد (ویزای شینگن)، ایجاد پول واحد و... در کشورهای عضو اتحادیه اروپا همه در این راستا صورت گرفته است. همین وضع در مورد کارکرد امنیتی مرز نیز صادق است. بدین نحو که، اگرچه در چنین منطقه‌ای کارکرد امنیتی مرزها در درجه دوم اهمیت قرار دارد، اما وجود نقاط اشتراک منافع و همکاریهای بین دولتی و وجود سطح مناسبی از رفاه اقتصادی، اشتراکات فرهنگی و... در دو سوی مرزها باعث شده است تا امنیت مرزها هم با مشکلی مواجه نشود. بنابراین موقعیت و شرایط خاص این منطقه به نحوی است که اولاً کارکرد ارتباطی مرزها از اهمیت بالاتری برخوردار باشد و مرز در درجه اول به عنوان یک پل ارتباطی محسوب می‌شود و در ثانی این شرایط بر کارکرد امنیتی مرز نیز تأثیر مثبتی داشته باشد.

در مقابل می‌توان به موقعیت نسبی ایران اشاره کرد. قرارگرفتن ایران در منطقه خاورمیانه (منطقه‌ای که به دلیل وقوع تنشها، جنگها و درگیریهای متعدد در چند دهه اخیر به بین‌المللی‌ترین و خبیرسازترین منطقه جهان تبدیل شده است)، وجود همسایگانی که از مشکلات متعدد اقتصادی، سیاسی، امنیتی، فرهنگی و اجتماعی رنج برده و همواره منشأ صدور بحران به خارج از مرزهای خود بوده‌اند، باعث شده برای مسئولان کشور در درجه اول کارکرد امنیتی مرزها مهم محسوب شود، و از سوی دیگر به‌طور عمده مرزها از حیث کارکرد ارتباطی - تجاری در ضعیف‌ترین حالت باشند. به عنوان نمونه تولید بیش از ۸۵ درصد تریاک جهان در افغانستان و ادامه این وضع در دوره‌ها و دولت‌های متوالی (نمودارهای ۲ و ۳) از یکسو و قرارگرفتن ایران در مسیر ترانزیت این مواد (نقشه ۱) و مزیت‌های متعدد مسیر ایران برای قاچاقچیان مواد مخدر باعث شده است تا همواره مرزهای شرقی کشور به دلیل تولید و تجارت مواد مخدر در افغانستان مورد تهدید قرار گیرد و در نتیجه همواره نگاه امنیتی بر مرزهای شرقی کشور حاکم باشد. در چنین وضعیتی تمامی تلاش مقامات کشور صرف تأمین

امنیت مرز شده و تلاش می‌شود تا با انجام اقدامات متعدد، جنبه بازدارندگی مرز را تقویت کنند. از این رو کارکرد ارتباطی - تجاری مرز و اتخاذ سیاستهایی در این زمینه در اولویت دوم قرار گرفته است.



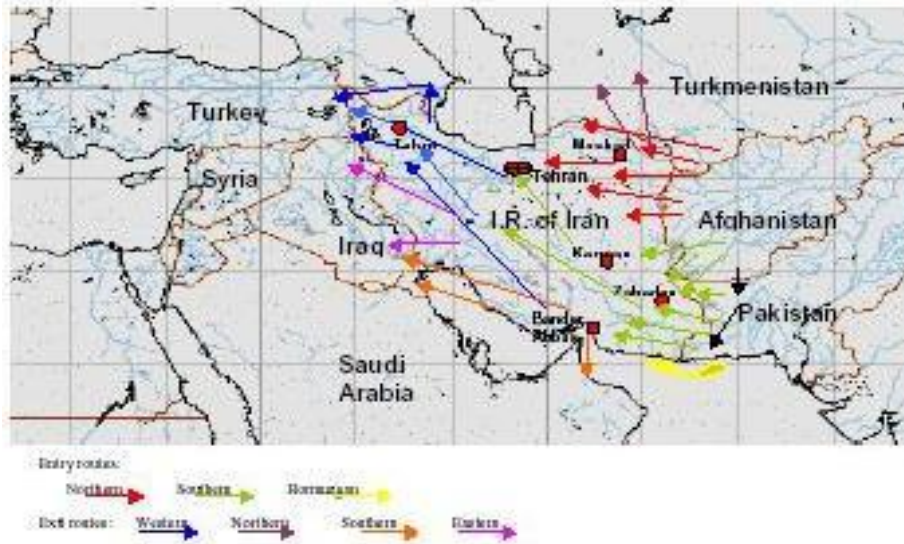
نمودار شماره ۲: تولیدکنندگان مهم تریاک جهان (Source: World Drug Report, 2006, p: 62)



نمودار ۳ کشت و تولید تریاک در افغانستان در چهار مقطع تاریخی متفاوت ۱۹۹۰-۲۰۰۷

نقشه شماره ۱: مسیرهای ورود و خروج مواد مخدر از ایران

I.R. of Iran : Entry and Exit Land Trafficking Routes



Source: [www.odccp.org/iran country](http://www.odccp.org/iran%20country)

بنابراین موقعیت ایران در منطقه خاورمیانه و بویژه مجاورت با همسایگانی مانند افغانستان که در طول ۱۳۰ سال گذشته دست کم شش بار کانون انتشار امواج بحران‌زا به دولت‌های همجوار بویژه ایران و پاکستان بوده است (کریمی‌پور، ۱۳۸۱: ۱۵۵)، سبب شده که نگرشها و سیاست‌های مسئولان ایران بر عکس آنچه در کشورهای عضو اتحادیه اروپا مشاهده شد، منطبق بر کارکرد امنیتی مرزها باشد. در نتیجه موقعیت نسبی ایران و مجاورت با کشورهای مذکور بر کارکرد امنیتی و ارتباطی مرزها تأثیر منفی گذاشته است.

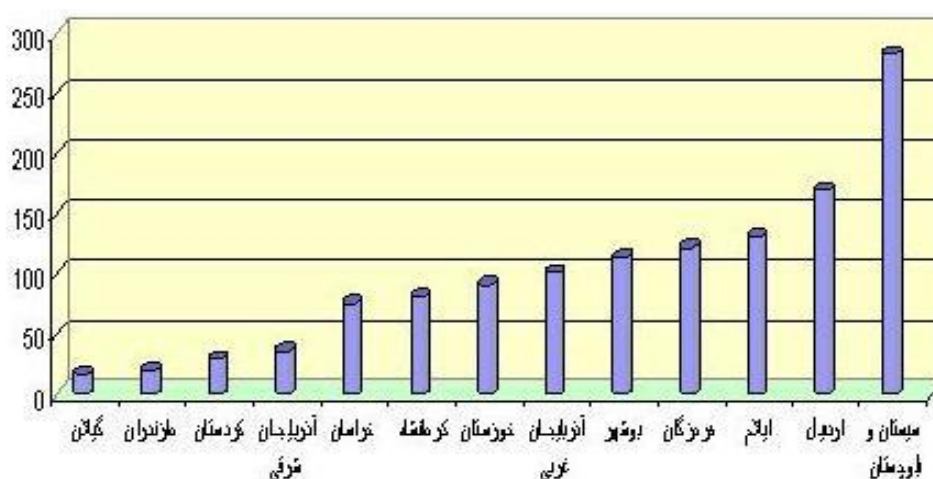
**د) ویژگی‌های اقتصادی مرز نشینان دو سوی مرز**

این بحث ناظر بر دو مطلب است، اول اینکه وضعیت اقتصادی مرز نشینان یک کشور چه تأثیری بر کارکردهای ارتباطی و دفاعی- امنیتی مرز دارد؟ و دوم اختلاف سطح توسعه و رفاه اقتصادی در مناطق مرزی دو کشور چه تأثیری بر کارکردهای مرز دارد؟



۱- وضعیت اقتصادی مرزنشینان یک کشور و تأثیر آن بر کارکردهای ارتباطی و امنیتی مرز یکی از ویژگیهای اصلی مناطق مرزی، دوری از مرکز کشور است. این مسأله جغرافیایی که از طبیعت مناطق مرزی ناشی می‌شود پیامدهای نامطلوبی را برای مناطق مرزی به همراه دارد که مهمترین آن، محرومیت شدید و حاشیه‌ای بودن این مناطق و قرار نگرفتن آنها در مسیر امواج توسعه کشور است. دوری از مرکز جغرافیایی کشور که به معنای دوری از مراکز تصمیم‌گیری سیاسی، اداری، قضایی و اجرایی کشور است، باعث می‌شود مناطق مرزی هم به دلیل دوری از مرکز و هم به دلیل نبود قابلیت‌های جمعیتی و صنعتی در این مناطق کمتر در جریان برنامه‌های توسعه داخلی قرار گیرند، لذا این مناطق از محرومیت شدیدی رنج می‌برند. به عنوان مثال در ایران محرومترین استانهای کشور، دورترین آنها از پایتخت است، مانند استانهای سیستان و بلوچستان، ایلام، هرمزگان (نمودار ۴). حتی در برخی مناطق مرزی، محرومترین نواحی مرزی دورترین آنها از مراکز منطقه مرزی هستند مانند نهبندان در استان خراسان (عندلیب، ۱۳۸۰: ۲۰۲).

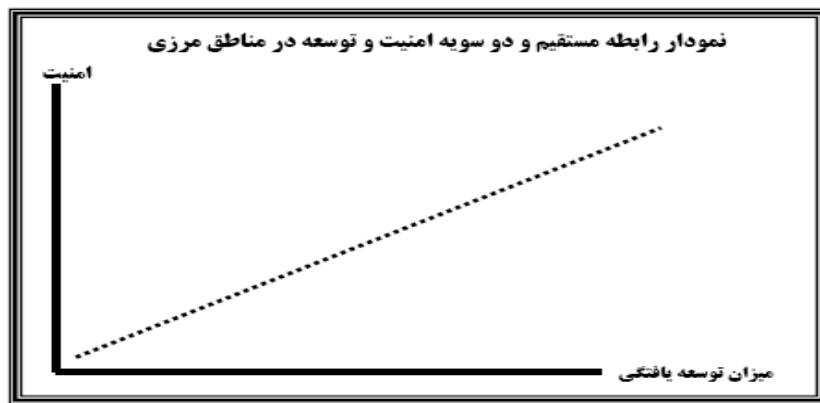
نمودار شماره ۴: عدم تعادل در شاخصهای توسعه در استانهای مرزی کشور



منبع: علیی، ۱۳۷۸: ۱۴۳

بی‌شک وجود محرومیت‌های شدید اقتصادی و میزان بالای بیکاری در مناطق مرزی در افزایش عبور غیر مجاز افراد، قاچاق کالا و سایر اموری که مخل امنیت مرز محسوب می‌شوند، تأثیر

شگرفی دارد. براساس تحقیقات انجام شده، امنیت و توسعه در مناطق مرزی با ضریب همبستگی بالا دارای رابطه‌ای مستقیم و دوسویه با یکدیگر می‌باشد. به‌گونه‌ای که هر اقدامی در فرایند تحقق توسعه تأثیرات مستقیمی بر فرایند تحقق امنیت می‌گذارد و بالعکس. به این ترتیب مناطق دارای شاخصهای بالای توسعه از ضرایب امنیتی بالاتری نسبت به مناطق توسعه‌نیافته‌تر برخوردارند (عندلیب، ۱۳۸۰: ۱۹۶).



نمودار شماره ۵: رابطه مستقیم و دوسویه امنیت و توسعه در مناطق مرزی

بنابراین، توسعه اقتصادی مناطق مرزی و افزایش رفاه و درآمد اقتصادی مرزنشینان از طریق فعالیتهای سالم اقتصادی و حمایت و سرمایه‌گذاری دولتها بر کارکرد امنیتی مرز تأثیر مثبت دارد. از سوی دیگر افزایش فعالیتهای اقتصادی سالم و سرمایه‌گذاری دولتها در مناطق مرزی، مشروط به عدم اختلاف فاحش اقتصادی در دو سوی مرز، نیز می‌تواند بر کارکرد ارتباطی مرز تأثیر مثبت داشته باشد. حمایت دولتها از سرمایه‌گذاری در صنایع کوچک و تبدیلی در مناطق مرزی، فعال کردن قابلیتهای توریستی مناطق مرزی، ایجاد نمایشگاههای کالا و بازارچه‌های مرزی و... از جمله روشهایی است که می‌تواند در افزایش تعاملات قانونی و بهبود کارکرد ارتباطی مرزها مؤثر باشد.

## ۲- اختلاف سطح توسعه و رفاه اقتصادی در مناطق مرزی دو کشور و تأثیر آن بر کارکردهای امنیتی و ارتباطی مرز

اختلاف سطح توسعه و رفاه اقتصادی و همچنین تفاوت فاحش درآمد و قیمت کالاها و خدمات در دو سوی مرز به طور قطع تأثیر منفی بر کارکرد امنیتی مرزها خواهد داشت. به این ترتیب، وجود اختلاف فراوان در قدرت اقتصادی دو کشور همسایه که منجر به تفاوت قابل توجه قیمت کالا، خدمات، تسهیلات و بازار کالا در دوسوی مرز می‌شود، باعث خواهد شد تا اغلب اتباع کشوری که از توان اقتصادی ضعیفتری برخوردار هستند، اقدام به قاچاق کالا و یا تردد غیرقانونی از مرز به منظور استفاده از بازار کار و همچنین استفاده از خدمات و تسهیلات موجود در آن سوی مرز کنند. این وضعیت در بسیاری از نقاط جهان وجود دارد، چنان‌که یکی از دلایل اصلی ناامنی در منطقه مرزی مشترک آمریکا و مکزیک همین مسأله است و سالانه میلیونها مکزیک‌جویای کار و زندگی بهتر (استفاده از خدمات اجتماعی و رفاهی) به طور غیرقانونی از مرز بین آمریکا و مکزیک عبور می‌کنند (همان: ۴۴). این مسأله در مورد مرزهای ایران نیز صدق می‌کند، چنان‌که یکی از عوامل اصلی افزایش عبور غیر مجاز افراد، قاچاق کالا و مواد مخدر از طریق مرز شرقی ایران وجود اختلاف سطح توسعه و درآمد بین دو کشور و فقر و بیکاری شدید موجود در کشور افغانستان می‌باشد. همچنین قاچاق مواد سوختی از جمله بنزین، گازوئیل و احشام از ایران به ترکیه و جمهوری آذربایجان به دلیل تفاوت‌های فاحش بهای آنها در کشورهای مذکور انجام می‌گیرد (کریمی پور، ۱۳۸۱: ۷۱).

در مقابل، به نظر می‌رسد وجود اختلاف قیمت کالاها و خدمات در دو سوی مرز، در برخی موارد می‌تواند بر کارکرد ارتباطی مرزها (بیشتر ارتباط یکسویه) تأثیر مثبت داشته باشد. به این نحو که قیمت‌های مناسبتر کالاها و خدمات در منطقه مرزی یک کشور باعث افزایش ورود مرزنیسان کشور مقابل به منظور استفاده از این مزایا می‌شود و این امر در دراز مدت باعث افزایش تعاملات و وابستگی‌های دو طرف شده و منجر به بهبود کارکرد ارتباطی مرزها می‌شود. ورود مرزنیسان جمهوری نخجوان آذربایجان به شهرهای مرزی شمال غرب ایران و مرزنیسان کرد عراقی به شهرهای مرزی غرب ایران و... به منظور خرید کالا یا استفاده از خدمات پزشکی نمونه‌ای از این موضوع است.

#### ه) اقلیت‌های قومی، مذهبی، زبانی و مرز

بحث ارتباط اقلیت‌ها و مرز از دو جهت قابل طرح است:

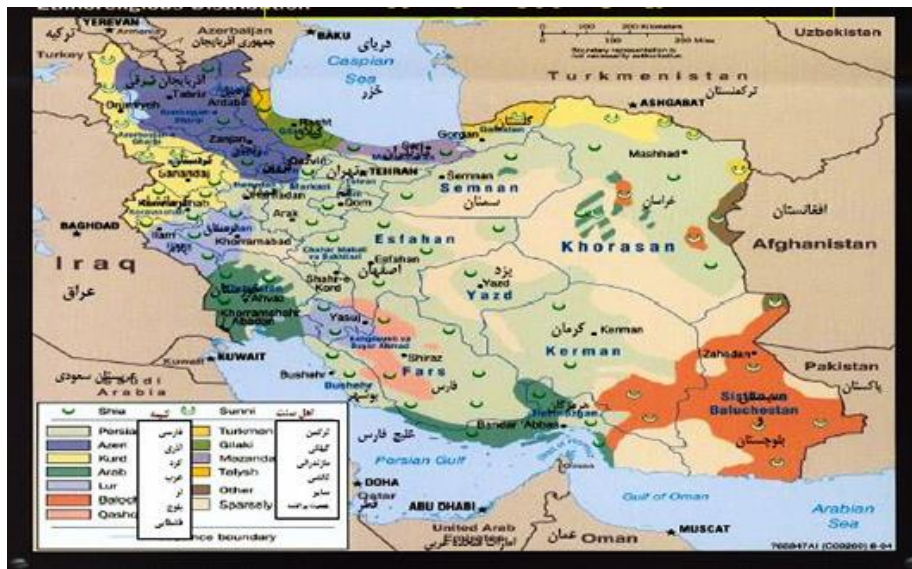
۱) نحوه پراکندگی اقلیت‌ها در کشور در رابطه با مرزها؛ ۲) نقاط مشترک قومی، مذهبی و زبانی اقلیتها در دو سوی مرز.

#### ۱) نحوه پراکندگی اقلیت‌ها در کشور در رابطه با مرزها

نحوه پراکندگی اقلیت‌ها در ملت‌های ترکیبی به چند گونه می‌تواند باشد. ممکن است اقلیت‌ها در تمامی کشور پراکنده باشند و یا در برخی از مناطق کشور متمرکز باشند. در بعضی از کشورها از جمله ایران پراکندگی فضایی - جغرافیایی اقلیت‌ها به گونه‌ای است که اقلیتها به صورت نواری در حاشیه کشور و در مناطق مرزی کشور با کشورهای همسایه حضور دارند که این امر می‌تواند تأثیرات مختلفی بر کارکرد مرزها داشته باشد.

ساختار فضایی - جغرافیایی ملت ایران از دو بخش بهم پیوسته مرکزی و پیرامونی پدید آمده است. در بخش مرکزی که بر کاسه فلات ایران و ارتفاعات حاشیه‌ای آن، یعنی زاگرس و البرز منطبق است؛ گروه‌های جمعیتی سکونت دارند که از حیث خصلت‌های قومی، زبانی، فرهنگی، مذهبی و فضایی منسجم و همسانند؛ به این معنی که با وجود خرده فرهنگ‌های محلی در این بخش، افراد آن همگی از نظر دینی مسلمان، از نظر مذهبی شیعه اثنی عشری؛ از نظر زبانی فارس و از نظر فرهنگ عمومی ایرانی‌اند. بخش پیرامونی که بر دشتها و نواحی مرتفع حاشیه جغرافیای ایران منطبق است، برخلاف بخش متراکم و متجانس مرکزی، دچار گسیختگی است و مجموعه‌ای متنوع از گروه‌های فرهنگی و قومی را در بر می‌گیرد. مردم بخش پیرامونی کشور در برخی از متغیرها و به طور مشخص زبان و لهجه، قومیت، مذهب و خرده فرهنگ محلی با بخش مرکزی و با یکدیگر تفاوت دارند. در این بخش، گروه‌های قومی آذری، کرد، عرب، بلوچ و ترکمن به ترتیب در شمال غربی، غرب و جنوب غربی، جنوب شرقی و شمال شرقی سکونت دارند. همچنین از نظر مذهبی نیز پراکندگی گروه‌های عمده مذهبی در ایران به گونه‌ای است که اقلیت مذهبی اهل سنت با دو شاخه حنفی و شافعی در فضا‌های پیرامونی کشور پراکنده‌اند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۱۴۹).

نقشه شماره ۲: ساختار قومی - مذهبی ملت ایران



مأخذ: زرقانی، ۱۳۸۶: ۱۹۶

اساساً در کشورهایی که با سیستم حکومتی بسیط (متمرکز) اداره می‌شوند، به‌طور عمده با حرکت از مرکز کشور به سمت حواشی، با دو روند معکوس کاهش نظارت حکومت مرکزی از یکسو و افزایش محرومیت و توسعه‌نیافتگی از سوی دیگر مواجه هستیم. این امر وقتی اهمیت پیدا می‌کند که در حواشی کشور اقلیتهای قومی، مذهبی و زبانی سکونت داشته باشند. در چنین شرایطی، میزان واگرایی اقلیتها نسبت به حکومت مرکزی، با توجه به محرومیت آنها نسبت به مرکز کشور (منطقه سکونت اکثریت) و کاهش نظارت حکومت مرکزی در حواشی کشور افزایش پیدا می‌کند و منافع و خواسته‌های اقلیتهای حاشیه مرز با منافع و خواسته‌های حکومت مرکزی در تقابل با هم قرار می‌گیرد. در نتیجه به دلیل رجحان منافع گروهی و قومی بر منافع ملی، اقلیتها نه تنها در برنامه‌ها و طرحهای دولت در تأمین امنیت مرز به کمک دولت نمی‌آیند بلکه به دلیل وجود نگرشهای متضاد در منافع و خواسته‌ها، سعی در ناکام ساختن دولت در اجرای برنامه‌های نظارتی خود در مناطق مرزی می‌کنند. در چنین وضعیتی حضور اقلیتها در حواشی کشور بر کارکرد امنیتی و ارتباطی مرزها تأثیر منفی خواهد داشت.

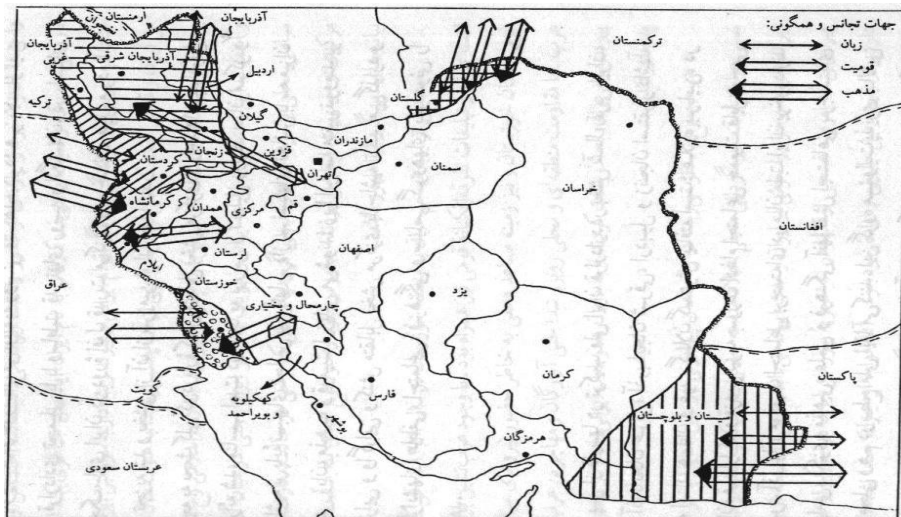
## ۲) اشتراکات قومی، مذهبی و زبانی اقلیتها در دو سوی مرز

شکل دیگر تأثیر اقلیتها بر کارکردهای امنیتی و ارتباطی مرز، به وجود اشتراکات قومی، مذهبی و زبانی بین اقلیتها در دو سوی مرز بر می‌گردد.

یکی از ویژگیهای به نسبت عمومی و جهان‌شمولی مناطق مرزی داشتن تنوع قومی، اجتماعی و فرهنگی است. این پدیده ناشی از قانون تراوش و انتشار بین مناطق جغرافیایی مجاور است. براساس این قانون، بخشی از جمعیت یک منطقه به منطقه مجاور مهاجرت کرده و ویژگیهای خود را به آن سوی مرز منتقل می‌کنند. این پدیده به مرور زمان در مناطق مرزی باعث تشکیل گروههای قومی، اجتماعی و فرهنگی می‌شود که در نهایت با ویژگیهای قومی، اجتماعی، فرهنگی جمعیت آن سوی مرز مشابه و با ویژگیهای جمعیت مرکز کشور متفاوتند (عدلیب، ۱۳۸۰: ۲۰۸).

وضعیت سکونت اقلیتهای قومی در ایران به گونه‌ای است که این اقلیتها در ماورای مرزهای سیاسی ایران نیز گسترش جغرافیایی داشته و تجانسهای مذهبی، قومی و زبانی با جمعیتهای کشورهای همسایه دارند (نقشه شماره ۳). پراکندگی اقلیتهای مذهبی و وجود اشتراکات مذهبی با ساکنان کشورهای همجوار به گونه‌ای است که بخش سنی‌مذهب شرق ایران با ناحیه سنی‌نشین پاکستان و افغانستان و بخش سنی‌نشین شمال‌شرقی ایران با ناحیه سنی‌مذهب آسیای مرکزی پیوستگی دارد؛ در جنوب کشور نیز، اهل سنت ساکن در جزایر و سواحل خلیج فارس با اهل سنت شبه‌جزیره عربستان که در آن سوی آبهای خلیج فارس واقع است، تجانس دارند؛ در غرب ایران نیز بخش سنی‌نشین کردستان با ناحیه سنی‌مذهب شمال عراق پیوند جغرافیایی می‌خورد.

نقشه شماره ۳: الگوی نسبت‌های تجانس بخش مرکزی و پیرامونی ملت ایران (منبع: حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۱۵۸)



از نظر الگوی استقرار گروه‌های قومی نیز، گروه قومی بلوچ در جنوب شرقی ایران با نیمه دیگر هسته بلوچ‌نشین در پاکستان پیوستگی فضایی پیدا می‌کند. گرچه این قوم در آن سوی مرز فاقد دولت مستقل است؛ با این حال بلوچستان پاکستان در چارچوب ساختار سیاسی فدرال آن کشور تا سطح یک ایالت ارتقا پیدا کرده است. گروه ترکمن در شمال شرقی ایران با ترکمنستان در آسیای مرکزی که دولت مستقلی آن را اداره می‌کند، پیوند جغرافیایی دارد. ناحیه آذری‌نشین شمال غربی ایران با آذربایجان در شمال غربی پیوند می‌خورد. قلمرو کردنشین ایران نیز با نواحی کردنشین ماورای مرز در درون کشور عراق و ترکیه ارتباط جغرافیایی دارد. قوم کرد در منطقه، دولت مستقل ملی ندارد و همین امر ناآرامی مستمر واحدهای جدا از هم سیاسی در ناحیه پیوسته کردنشین را پدید آورده و بحرانی شناور را در سراسر منطقه موجب شده است. قلمرو عرب‌نشین ایران در جنوب غربی کشور نیز با منطقه وسیع عربی که سراسر غرب آسیا، شبه‌جزیره عربستان و شمال آفریقا را در بر می‌گیرد، ارتباط فضایی - جغرافیایی دارد و گاهی رقبای ژئوپلیتیک ایران در منطقه از این مسأله بهره‌برداری سیاسی می‌کنند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۱۵۱).

وجود اشتراکات قومی، مذهبی و زبانی بین ساکنان دو سوی مرز، دو تأثیر متفاوت را بر کارکرد امنیتی و ارتباطی مرز خواهد داشت؛ به نحوی که در مورد کارکرد امنیتی مرز، اشتراک مذهبی، قومی و فرهنگی بین ساکنان دو سوی مرز عموماً تأثیر منفی بر امنیت مرز دارد. البته میزان همگرایی یا واگرایی قومی - فرهنگی این گروههای اجتماعی مرزنشین با حکومت مرکزی نقش مهمتری در این زمینه دارد. به عبارت دیگر اگر این گروهها نسبت به حکومت مرکزی همگرایی داشته باشند، مسأله تأمین امنیت مرز و توسعه مناطق مرزی با مشکل کمتری مواجه است. اما هرگاه به دلایل متعدد این گروهها نسبت به حکومت مرکزی واگرایی داشته و نسبت به گروههای اجتماعی آن سوی مرز همگرایی داشته باشند، مسأله تأمین امنیت مرز با مشکل جدی مواجه می شود. بویژه اگر مرزنشینان دو سوی مرز از یک قوم و طایفه بوده و خویشاوندی هم بین آنان وجود داشته باشد، رفت و آمدهای غیرقانونی رواج خواهد داشت، مخصوصاً اگر مرز مشترک در منطقه خشکی و آبادیهای محل سکونت مرزنشینان در دو سمت مرز یکسان باشد، علایق قویتری در رفت و آمد بین دو طرف و عبور غیرقانونی از مرز به وجود خواهد آورد که تأثیر مستقیمی بر امنیت مرزها خواهد داشت (کریمی پور، ۱۳۸۱: ۱۶۸). با توجه به اینکه دنباله های قومی و مذهبی اکثر ساکنان مناطق مرزی ایران در آن سوی مرز قرار دارد، در صورت واگرایی این گروهها از حکومت مرکزی و همگرایی با آن سوی مرز مشکلات امنیتی زیادی در مناطق مرزی ایران خواهیم داشت. به عنوان مثال سه کشور ایران و پاکستان و افغانستان در مورد گروههای بلوچ ساکن در مناطق مرزی خود با مشکلات متعدد امنیتی روبه رو هستند، که از جمله به تردهای گسترده غیرمجاز لحظه ای مرزی، قاچاق سازمان یافته و اغلب خانوادگی یا طایفه ای کالا و مواد مخدر و واگرایی همه جانبه از دولتهای متبوع و همگرایی درون قومی می توان اشاره کرد (همان).

در مقابل به نظر می رسد این وضعیت (اشتراک قومی، مذهبی و زبانی ساکنان دو سوی مرز) بر کارکرد ارتباطی مرز تأثیر متفاوتی داشته باشد. به طور اساسی تعاملات و کنش متقابل فضایی از الگوها خاصی پیروی می کند؛ به طوری که هر چه فاصله فرهنگی - اجتماعی میان مردم دو مکان مختلف کمتر باشد؛ یعنی از اشتراکات بیشتر فرهنگی - اجتماعی (زبان، مذهب، سنت، آداب و رسوم، و...) برخوردار باشند، به ارتباط با یکدیگر بیشتر تشویق می شوند



(میرحیدر، ۱۳۷۹: ۹). بر این اساس، وجود اشتراکات بین ساکنان دو سوی مرز باعث گسترش ارتباطات و تبادلات مرزی خواهد شد و در صورتی که این ارتباطات در چارچوب یک برنامه هماهنگ (مثلاً بازارچه‌های مرزی) از طریق برنامه‌ریزی مشترک دولتها سازماندهی شود، تأثیرات مثبتی بر کارکرد ارتباطی مرز خواهد داشت.

### و) ذخایر و منابع طبیعی موجود در منطقه مرزی

وجود ذخایر و منابع طبیعی در منطقه مشترک مرزی می‌تواند با ایجاد دو وضعیت مختلف، دو تأثیر کاملاً متفاوت بر کارکرد مرز داشته باشد. به عبارت دیگر هم تهدید است و هم فرصت محسوب می‌شود. در حالت اول، اگر دو کشور هم‌مرز دارای روابط حسنه‌ای با هم باشند و در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و امنیتی با یکدیگر همکاری و مشارکت داشته باشند، بالطبع در زمینه بهره‌برداری از ذخایر و منابع مشترک مرزی این همکاری و مشارکت ادامه پیدا خواهد کرد. به این ترتیب دو کشور با انجام سرمایه‌گذاری مشترک، اجرای طرحها و پروژه‌های مشارکتی و استفاده از قابلیت‌های طبیعی و انسانی منطقه مرزی، باعث افزایش رشد و توسعه فراگیر در مناطق مرزی می‌شوند. رشد و توسعه مناطق مرزی هم بر کارکرد ارتباطی و هم کارکرد امنیتی مرزها تأثیر مثبت خواهد داشت. به این نحو که همکاری دو کشور در رشد و توسعه همه‌جانبه مناطق مرزی ضمن اینکه منجر به رونق اقتصادی منطقه می‌شود، باعث افزایش روابط و مبادلات مرزی بین مرزنشینان دو طرف شده و بر کارکرد ارتباطی مرز تأثیر مثبت خواهد داشت. از سوی دیگر چون بین توسعه و امنیت رابطه مستقیمی برقرار است (چنان که قبلاً ذکر شد) بالطبع افزایش رشد و توسعه مناطق مرزی باعث بهبود امنیت مرز می‌شود و با کاهش موارد ناامنی همچون قاچاق کالا، تردد غیرمجاز و... بر کارکرد امنیتی مرز تأثیر مثبتی خواهد داشت. نمونه‌های متعددی از همکاری دو کشور در زمینه اجرای طرحها و پروژه‌های مشترک مرزی وجود دارد. یکی از این موارد احداث سد دوستی در مرز مشترک ایران و ترکمنستان با سرمایه‌گذاری مشترک دو کشور است. سد دوستی در فاصله ۲۵۰ کیلومتری شمال شرقی مشهد و ۷۵ کیلومتری جنوب شهر سرخس بر روی رودخانه هریرورد احداث شده است. هدف کلی این طرح مشترک مرزی، تأمین آب شرب مشهد به میزان ۱۵۰ میلیون متر مکعب در سال، تأمین آب اراضی کشاورزی دشت سرخس در ایران و ترکمنستان

هر کدام به میزان ۲۵ هزار هکتار و جلوگیری از فرسایش سواحل رودخانه هریرود است. به گفته رئیس اداره آب و فاضلاب روستایی سرخس با برداشت آب از سد دوستی درصد ۹۰ روستاهای مرزی این شهرستان از آب آشامیدنی بهداشتی بهره‌مند می‌شوند (روزنامه قدس، مهر ۱۳۸۴). نمونه دیگر، همکاری دو کشور ایالات متحده آمریکا و مکزیک در مرز مشترک ۱۷ دو کشور است. بر این اساس دو کشور با اجرای طرح‌های توسعه‌ای منطقه‌ای در مرز آمریکا و مکزیک و استفاده از منابع محلی بویژه نیروی انسانی محلی ضمن برداشتن قدم‌های اساسی در راه توسعه مناطق مرزی، مشکل بیکاری و ناامنی مربوط به آن را نیز تا حدود زیادی حل کرده‌اند (عندلیب، ۱۳۸۰: ۸-۴۷).

بر این اساس همکاری کشورها در استفاده از قابلیت‌های طبیعی و انسانی مناطق مرزی و انجام پروژه‌های مشترک مرزی نتایج مفیدی به همراه دارد. توسعه اقتصادی و افزایش سطح رفاه اجتماعی در مناطق مرزی، کاهش تردهای غیر قانونی، کاهش شدید ناامنی و افزایش ضریب امنیت در منطقه مرزی و... برخی از این نتایج است که تأثیر مستقیمی بر توسعه و امنیت مناطق مرزی دارد.

در مقابل، ممکن است منابع و ذخایر طبیعی موجود در مناطق مرزی بر کارکرد امنیتی و ارتباطی مرز تأثیر منفی هم داشته باشند. این وضعیت زمانی به وجود می‌آید که دو کشور روابط سرد یا خصمانه‌ای با یکدیگر داشته باشند. در چنین شرایطی وجود منابع و ذخایر مشترک در منطقه مرزی، نه تنها باعث بهبود روابط دو کشور نمی‌شود بلکه زمینه را برای افزایش تنش و درگیری بین دو کشور همسایه فراهم می‌کند. به نظر می‌رسد رودخانه اروندرود به عنوان یک منبع مشترک مرزی میان ایران و عراق مثال مناسبی برای این موضوع باشد. اروندرود می‌توانست زمینه مناسبی برای سرمایه‌گذاری مشترک دو کشور ایران و عراق به منظور استفاده بهینه از قابلیت‌های اقتصادی آن و توسعه مناطق مرزی باشد، اما به دلیل ماهیت توسعه‌طلبانه و سلطه‌گر رژیم بعثی و شخص صدام، روابط دو کشور در طی سه دهه اخیر بویژه پس از انقلاب اسلامی در بدترین وضعیت بود. در نتیجه، روابط خصمانه عراق با ایران نه تنها مانع از همکاری دو کشور در زمینه استفاده مطلوب از منابع و ذخایر مناطق مرزی (مثلاً اروندرود) نشد، بلکه اروندرود تبدیل به عاملی برای تنش و بهانه‌ای برای شروع یک جنگ ۸

ساله بین دو کشور شد. حال آنکه در شرایط جدید و پس از سقوط رژیم مستبد بعثی و ساقط شدن دیکتاتور عراق، در صورت تشکیل حکومتی دموکراتیک و با ثبات، به طور قطع منابع طبیعی و ذخایر موجود در مناطق مرزی می‌تواند زمینه مناسبی برای سرمایه‌گذاری مشترک دو کشور بویژه در بعد ارتباطی - تجاری باشد. امری که باعث رشد و توسعه مناطق مرزی شده و زمینه گسترش ارتباط و مبادلات مرزی بین مرزنشینان دو کشور را فراهم می‌آورد و به تبع آن امنیت مرزی نیز بهبود پیدا می‌کند.

### ز ثبات یا بی‌ثباتی سیاسی در کشورهای همسایه و مرز

وجود ثبات یا بی‌ثباتی سیاسی در یک کشور، حداقل از دو بعد تأثیر مهمی بر کارکرد مرزها دارد: اول اینکه هرگونه بی‌ثباتی سیاسی در یک کشور ضمن ایجاد بحران در امور داخلی کشور مزبور، باعث سرایت بحران و پیامدهای مخرب آن به کشورهای همجوار بویژه مناطق مرزی خواهد شد. به عنوان مثال بی‌ثباتی سیاسی موجود در افغانستان در دو دهه اخیر و بروز جنگهای داخلی متعدد در این کشور به روشهای مختلف بر امنیت کشور و به خصوص امنیت مناطق مرزی ایران تأثیر منفی گذاشته است. مسأله آوارگان و پناهندگان افغانی، کشت و تجارت مواد مخدر، قاچاق سلاح، شرارت، گروگانگیری و... همگی از نتایج بی‌ثباتی سیاسی در افغانستان است که پیامدهای زیانبار اقتصادی - امنیتی آن در طی دو دهه گذشته بسیار ملموس بوده است (ملازهی، ۱۳۸۳: ۳۰). دو حادثه گروگانگیری و تروریستی دی ماه و اسفند ماه ۱۳۸۴ در منطقه زابل و مرز ایران با پاکستان و افغانستان به‌خوبی تأثیر بی‌ثباتی و ضعف حاکمیت موجود در این دو کشور را در بروز ناامنی در مناطق مرزی ایران نشان می‌دهد. در یکی از این اقدامات تروریستی اشرار با نفوذ به مناطق مرزی ایران، در ساعت ۲۱ روز پنج‌شنبه ۲۵ اسفند ماه ۱۳۸۴ جاده تاسوکی محور زابل - زاهدان را مسدود کرده و به کاروانی متشکل از مردم عادی و مسؤولان محلی حمله کردند. سپس در یک اقدام وحشیانه ۲۲ نفر از مردم و کارمندان محلی را به شهادت رسانده و ۱۲ نفر را به گروگان گرفته و به آن‌سوی مرز فرار کردند (خبرگزاری ایرنا، ۲۶ اسفند ۱۳۸۴). نکته تأسف برانگیز ماجرا این است که به نقل از فرمانده وقت نیروی انتظامی عوامل این حادثه تروریستی به منطقه‌ای بین پاکستان و افغانستان گریختند که هیچ یک از این دو کشور در این منطقه حاکمیت کاملی ندارند. در این صورت

علی‌رغم پیگیری‌های مسئولان کشور و رایزنی‌های دیپلماتیک با مسئولان دو کشور، اقدام قابل توجهی در خصوص دستگیری اشرار و آزادی گروگانها انجام نشد و مسئولان این دو کشور از دستگیری آنها اظهار عجز کردند (روزنامه قدس، ۱۴ فروردین ۱۳۸۵). این وضعیت در مورد عراق نیز صادق است؛ به‌نحوی که به گفته سردار قالیباف<sup>۱</sup> فرمانده وقت نیروی انتظامی، بی‌ثباتی سیاسی و حضور اشغالگران در عراق و نابسامانی و عدم سازماندهی مناسب در این کشور افزایش قابل توجه قاچاق سلاح از طریق مرزهای غربی به داخل ایران را سبب شده است (خبرگزاری فارس، ۱۶ مهر ۱۳۸۳).

دوم اینکه بی‌ثباتی سیاسی و تغییر پی در پی حکومتها، منجر به عدم ثبات در وضع و اجرای قوانین و مقررات می‌شود. بدیهی است عدم ثبات قوانین و برخوردهای چندگانه در مورد فعالیتها و مقررات موجود در مناطق مرزی باعث عدم توسعه پایدار در این مناطق می‌شود؛ چنان‌که به عنوان مثال اگر یک دولت اسلام‌گرا در ترکیه بر سر کار آید، روابط دو کشور روند رو به رشدی را خواهد داشت و بازتاب این امر در مناطق مرزی در قالب گسترش ارتباطات مرزی خود را نشان خواهد داد، اما به محض تغییر دولت و به‌خصوص روی کارآمدن نظامیان، معمولاً روابط حسنه دو کشور سیر نزولی پیدا می‌کند و اولین بازتابهای این کاهش سطح روابط در مناطق مرزی در قالب برجسته شدن کارکردهای امنیتی مرز و محدودشدن فعالیت‌های ارتباطی مرز نمایان می‌شود. از آنجا که مسأله ارتباطات مرزی و گسترش مبادلات مرزی از طریق ایجاد بازارچه‌های مرزی و... یک موضوع دو جانبه است، هرگونه تغییر در قوانین کشور مقابل طرحها و اقدامات کشورمان را که بر اثر تفاهم‌نامه‌های قبلی ایجاد شده است، ناکام خواهد گذاشت.

ایران در منطقه‌ای قرار دارد که همواره از پیامدهای بحرانهای موجود در کشورهای همسایه رنج برده است. اقرار به این واقعیت تلخ که تا ژانویه ۲۰۰۱ م، جمهوری اسلامی ایران از نظر میزان و سهم منابع تنش و تهدید ملموس و واقعی در فضای پیرامونی خود، بین ۲۰۰ کشور جهان در شمار یازده کشور پرتهدید جهان قرار دارد (کریمی پور، ۱۳۸۱: ۲۲۰) به‌خوبی میزان تهدیدات ناشی از بی‌ثباتی سیاسی در کشورهای همسایه را نشان می‌دهد.

۱. گفتگوی سردار قالیباف فرمانده وقت نیروی انتظامی با خبرگزاری مهر

علاوه بر عوامل ژئوپلیتیکی فوق می‌توان از مواردی دیگر مانند: نوع نگرش و رفتار مرزنشینان دو کشور نسبت به مرز، تراکم، پراکندگی جمعیت و جمعیت‌های متحرک در دو سوی مرز، سیاست‌های دولتها در مورد امنیت و توسعه مناطق مرزی شامل عمران مرزها، سازماندهی مناسب، تجهیزات مناسب، پرسنل با انگیزه مرزی، سیاست‌های منسجم و هماهنگی بین نهادها و مدیران متولی مرز و... نام برد که با توجه به وسعت مطلب، ذکر همه آنها در این مقاله جای نمی‌گیرد و در این حالت موارد مذکور به تفصیل مورد بررسی قرار نگرفتند.

### نتیجه‌گیری

مرزهای بین‌المللی دارای کارکردهای مختلف سیاسی، اقتصادی، امنیتی، نظامی و... هستند. به‌طور کلی کارکردهای مختلف مرزهای بین‌المللی را می‌توان در قالب دو گروه طبقه‌بندی کرد:

۱) کارکرد بازدارندگی (امنیتی)؛

۲) کارکرد ارتباطی - اقتصادی.

در کارکرد بازدارندگی مرز، نگرش امنیتی - سیاسی غالب است و هدف این است که چگونه می‌شود با انجام اقدامات مختلفی از جمله ایجاد موانع فیزیکی، نصب تجهیزات الکترونیکی، تأسیس مراکز نظامی، انتظامی و نظارتی و... مرز را هرچه بیشتر به صورت یک مانع غیرقابل نفوذ درآورد تا در نتیجه امنیت مرزی به وجود آید. حال آنکه در کارکرد ارتباطی مرز برخلاف کارکرد بازدارندگی، مرز به عنوان یک پل ارتباطی عمل می‌کند که تسهیل‌کننده ارتباطات تجاری، فرهنگی، توریستی و... بین مردم دو کشور بویژه مرزنشینان می‌باشد. بر این اساس، بر خلاف کارکرد بازدارندگی مرز که به دنبال تقویت قدرت نفوذناپذیری مرز می‌باشد و نگاه غالب به آن نگاه امنیتی - سیاسی است در کارکرد ارتباطی نگرش غالب نگاه اقتصادی - تجاری است. از این رو مقاله حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است که چگونه می‌شود از مرز به عنوان یک عامل ارتباط بین دو کشور همسایه استفاده کرد؟ و هدف آن است که با انجام اقداماتی نظیر ایجاد دروازه‌ها و گذرگاه‌های مرزی، تأسیس بازارچه‌های مرزی، تأسیس مناطق آزاد تجاری - صنعتی در مرزهای مشترک و... تا حد امکان در گسترش ارتباط بین مردم دو سوی مرز و افزایش مراودات تجاری، انسانی، فرهنگی، توریستی نقش ایفا کرد.

در این مقاله عوامل ژئوپلیتیکی مختلفی همچون نظامهای سیاسی و نوع روابط دو کشور هم‌مرز، ویژگیهای قومی - مذهبی مرزنشینان دو کشور همسایه، نقش قدرتهای فرامنطقه‌ای، نگرشها و سیاستهای دولتها در رابطه با مرز و مناطق مرزی، ویژگیهای اقتصادی مرزنشینان و تفاوت توسعه اقتصادی در کشورهای همسایه و... مورد بررسی قرار گرفته است که به انجای مختلف بر نقش و کارکرد مرزها تأثیر می‌گذارند؛ به طوری که یا باعث ایجاد و تقویت امنیت در مرزها و مناطق مرزی شده و از این طریق زمینه توسعه فراگیر در مناطق مرزی را فراهم می‌کنند و یا با ایجاد تنش در مناطق مرزی ضمن اخلال در توسعه اقتصادی - اجتماعی مناطق مرزی، زمینه را جهت برخوردها و منازعات بعدی فراهم می‌کنند.

به نظر می‌رسد به دلیل وجود شرایط نامساعد اقتصادی، سیاسی، نظامی و... در اغلب همسایگان ایران، وجه منفی عوامل ژئوپلیتیکی مزبور در مورد مرزهای جمهوری اسلامی ایران بیشتر غالب باشد. بر این اساس، به‌طور عمده در مرزهای جمهوری اسلامی ایران با اغلب همسایگان نقش بازدارندگی - امنیتی مرز پررنگتر از نقش ارتباطی - اقتصادی آن می‌باشد، حال آنکه در دنیای امروز و در عصر جهانی‌شدن‌ها باید سیاستها در راستای گسترش تعاملات جهانی، ارتباطات مرزی و تقویت نقش ارتباطی مرزها باشد. امری که اگرچه با کمک و همکاری کشورهای همسایه بهتر به ثمر می‌رسد، اما در درجه اول نیاز به تغییر رویکرد و نگرش صحیح به مسأله مرز و مناطق مرزی از سوی مسؤولان مرتبط با مرز دارد.

## منابع

۱. افتخاری، اصغر (۱۳۷۸)؛ ظرفیت طبیعی امنیت مورد قومیت و خشونت در ایران؛ فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره پنجم و ششم، پاییز و زمستان.
۲. پرسکات (۱۳۵۹)؛ گرایشهای تازه در جغرافیای سیاسی؛ ترجمه دره میرحیدر؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۳. حافظنیا، محمدرضا (۱۳۸۱)؛ جغرافیای سیاسی ایران؛ تهران: انتشارات سمت.
۴. حافظنیا، محمدرضا (۱۳۷۹)؛ مبانی مطالعات سیاسی - اجتماعی؛ جلد دوم؛ قم: سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشور.
۵. خطابی، غلامحسین (۱۳۷۴)؛ مرزبانی؛ چاپ اول؛ تهران: معاونت آموزشی ناجا.
۶. درایسدل، آلاسدر و اچ بلیک، جرالد (۱۳۷۴)؛ جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا؛ ترجمه دره میرحیدر؛ تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۷. رحمتی‌راد، محمدحسین (۱۳۷۴)؛ مرزبانی، گذرنامه و اتباع بیگانه؛ ج ۱، تهران: معاونت آموزشی ناجا.
۸. زرقانی، سید هادی (۱۳۸۶)؛ مقدمه‌ای بر شناخت مرزهای بین‌المللی؛ تهران: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی.
۹. زرقانی، سید هادی (۱۳۸۰)؛ تحلیلی بر کارکرد امنیتی مرز شرقی؛ پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیای سیاسی؛ تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۱۰. زرقانی، سید هادی (۱۳۸۵)؛ عوامل مؤثر بر امنیت مرزی با تأکید بر مرز شرقی ایران و افغانستان؛ مجله علوم جغرافیایی؛ شماره نخست، مشهد: دانشگاه آزاد اسلامی.
۱۱. علینقی، امیرحسین (۱۳۷۸)؛ داده‌هایی از عدم تعادل در جامعه ایران؛ استانهای مرزی، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره پنجم و ششم، پاییز و زمستان.
۱۲. عندلیب، علیرضا (۱۳۸۰)؛ نظریه پایه و اصول آمایش مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران؛ تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
۱۳. قوام، سید عبدالعلی (۱۳۸۳)؛ اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل؛ تهران: انتشارات سمت.
۱۴. قویدل، مهدی (۱۳۸۳)؛ نگاه اسرائیل به افغانستان پس از یازده سپتامبر؛ کتاب آسیا (ویژه افغانستان پس از طالبان)؛ تهران: انتشارات مؤسسه ابرار معاصر.
۱۵. کریمی‌پور، یدالله (۱۳۸۱)؛ ایران و همسایگان منابع تنش و تهدید؛ تهران: انتشارات دانشگاه تربیت معلم.
۱۶. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱)؛ جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی؛ تهران: انتشارات سمت.
۱۷. ملازهی، پیر محمد (۱۳۸۳)؛ ثبات در افغانستان و نقش آن در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران؛ کتاب آسیا (ویژه افغانستان پس از طالبان)؛ تهران: انتشارات مؤسسه ابرار معاصر.
۱۸. میرحیدر، دره (۱۳۸۱)؛ مبانی جغرافیای سیاسی؛ چاپ نهم، تهران: انتشارات سمت.
۱۹. ویژه‌نامه همایش ملی مرزها، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۲۴ و ۲۵ تیرماه ۱۳۸۲.
۲۰. خبرگزاری ایرنا - خبرگزاری ایسنا - خبرگزاری فارس.
۲۱. روزنامه ایران، روزنامه قدس، روزنامه خراسان.
22. Dwivedi, R.L (1990); fundamentals of political geography; Chaitanya Publishing hous.
23. Glassner, M. & Fahrner, C. (2004); Political Geography; USA: John Wiley and Sons.

24. Newman David and Paasi Anssi (1998); Fences and Neighbours in the Postmidarn world, Human Geography.
25. World Drug Report (2006); Volume 1, United Nations Publication, Office on Drugs and Crime.
26. Illicit Drug Trends in Afghanistan April 2008.
27. UNITED NATIONS Office on Drugs and Crime Country Office.